

دلیران ناجا در دفاع مقدس

خاطرات سرهنگ ایمانی

نویسنده:

علی ایمانی

انتشارات طاق بستان

۱۳۹۵

سرشناسه: ایمانی، علی، ۱۳۳۰
عنوان و نام پدیدآور: دلبران ناجا در دفاع مقدس، خاطرات سرهنگ ایمانی/نویسنده علی
ایمانی

مشخصات نشر: کرمانشاه: طاق بستان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۳۶۰ص، رقعی، مصور،

شابک: ۵-۳۸۹-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸، ۲۰۰۰تومان

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: ایمانی، علی، ۱۳۳۰- خاطرات

موضوع: سرداران، ایران، سرگذشتنامه

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۷۸- خاطرات

رده بندی کنگ: ۳۹۴-۹۳۰الف/۶ DSR ۱۳۲۹ رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۰۰۶۱۴۱



آمارات طاق بستان

* عنوان: دلبران ناجا در دفاع مقدس

* نویسنده: علی ایمانی

* ناشر: طاق بستان

* طراح جلد: جواد خالیک

* نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۵- کرمانشاه

* شمارگان: ۲۰۰۰

* قطع: رقعی، ۳۶۰ص

* شابک: ۵-۳۸۹-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

* قیمت: ۲۰۰۰ تومان

«حق چاپ محفوظ است»

کرمانشاه: خیابان آیت اله کاشانی (دبیراعظم) رویروی هتل بیستون

تلفن: ۰۸۳۳۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۷۲۷۱۶۴۳

Email: Taqhbostan_book@gmail.com

فهرست

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	ط
پیشگفتار.....	م
با دو سپاس.....	س
دوران کودکی.....	۱
مکتب خانه.....	۵
تحصیلات دبستانی و.....	۹
شرکت رئیس پاسگاه انتظامی هرسین در بساط جشن.....	۱۶
استخدام در ژاندارمری سابق.....	۲۱
انتقال به آذربایجان شرقی.....	۲۷
پاسگاه ژاندارمری نیر از پیش در قبل از انقلاب.....	۲۹
خاطره‌ای از کشف مواد مخدر در قبل از انقلاب ۵۷.....	۳۸
پاسگاه مرزی خواجه بلاغی.....	۴۱
در سرحدات اردبیل.....	۴۵
احیاء خطوط مرزی.....	۴۸
گروهان ژ- سابق نمین اردبیل.....	۵۰
در بهبهان.....	۵۳
خلع سلاح کهکیلویه و بویراحمد.....	۵۷
طلیعه انقلاب و حرکت خود جوش مردم.....	۶۱
گروهان ژاندارمری آغاچاری.....	۶۴
روزهای قبل از پیروزی انقلاب.....	۶۷

عنوان.....صفحه

شاه رفت	۷۲
رهایی زندانیان از بند	۷۶
انحلال سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک)	۷۷
بازگشت آیت‌الله امام خمینی (ره) از فرانسه	۷۸
تشکیل دولت موقت	۸۰
ایلام همبستگی ارتش و استعفای شاهپور بختیار	۸۲
فرانسه ریاست جمهوری	۸۷
انتقال پادشاه کرمانشاه	۹۱
گروهان زندان‌های شهرستان صحنه	۹۵
کردستان پهنه تنگه‌های حوادث در سال ۱۳۵۸	۱۰۰
فرمان تاریخی امام خمینی در برآزادسازی شهر پاوه	۱۰۸
عملیات پاکسازی و تعقیب مجاهدین پاوه و اورامانات	۱۱۵
تراژدی روستای داریان	۱۲۴
آغاز تهاجم گسترده ارتش عراق به خاک ایران و هشت سال جنگ تحمیلی	۱۲۶
آموزش و سازماندهی نیروهای بسیجی	۱۳۱
فرمانده گروهان عملیاتی نوسود	۱۳۲
روزی که پسر روزبه متولد شد	۱۴۰
تخریب پل قلعه‌گاه نوسود محور نفوذی دشمن	۱۴۲
کاک هادی کومه دره‌ای مرد نیکومنش گرد	۱۴۶
پایان مرحله دوم مأموریت عملیاتی در جبهه نوسود	۱۴۹
کمر بند امنیتی شهر کرمانشاه	۱۵۲

عنوان.....	صفحه.....
پژواک رازآور.....	۱۵۸
دفع یورش مهاجمین از پایگاه سرشیلانه.....	۱۶۲
گذر از کمینگاه.....	۱۶۵
خدمت ستادی.....	۱۷۰
وضعیت عمومی منطقه عملیاتی ایلام.....	۱۷۴
جبهه مهران.....	۱۸۳
هیه خاک.....	۱۹۵
وضعیت خط و پدافندی دشمن.....	۱۹۹
نیم دیداری از جبهه مهران.....	۲۰۲
موج انفجار توپ در فرخ آباد.....	۲۰۷
تک نافرجام ارتش عراق در منطقه عمومی مهران در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۲۷.....	۲۱۰
پارهای اقدامات بعد از تک دشمن.....	۲۲۷
عملیات کربلای یک.....	۲۳۱
گروهان ژاندارمری سابق ایلام.....	۲۳۸
کشتار در پایگاه مالک اشتر (جبهه صالح آباد مهران).....	۲۴۱
فضای جبهه‌ها و مصیبت‌های نا امنی.....	۲۴۶
تک مجدد ارتش عراق و تفرندهای مجاهدین خلق (منافین).....	۲۵۰
ادامه تهاجم ارتش عراق پس از پذیرش آتش بس و کشتار فجیع در شهر دهلران.....	۲۵۹
حرکت به سمت دهلران.....	۲۶۰

عنوان.....	صفحه.....
جبهه شور شیرین و شهادت شادروان ستوان جهانبخش	
لرستانی و جمعی از هم‌زمان.....	۲۶۲
وقایع صالح آباد ایلام.....	۲۶۷
وقایع چهل زری و شهادت غرور آفرین سرهنگ ابوالحسن	
خرم‌رودی.....	۲۷۱
حماسه مرصاد.....	۲۷۵
حاذیه‌ها پس از جنگ.....	۲۸۱
شهادت مرزنگ علی‌مراد ایمانی.....	۲۹۰
ادامه خاطرات.....	۲۹۱
گروهان ژاندارمری سابق فرمانشاه.....	۲۹۳
یک خاطره.....	۳۰۲
ادغام سه نیروی ژاندارمری سابق جمهوری اسلامی - کمیته انقلاب	
اسلامی و شهربانی جمهوری اسلامی.....	۳۰۶
عزیمت به شهرستان مرزی پاوه.....	۳۱۵
شهر پاوه و بردباری‌ها.....	۳۲۰
رختنه‌های اهریمنی در مرز اورامان.....	۳۲۳
آلبوم عکسها.....	۳۳۱

بنای سخن را بر این قرار می‌دهیم که اعمال، رفتار، استعداد و شخصیت هر فردی ارتباط مستقیم با افکار آن شخص دارد. کتابی که پیش روی دارید برگ سبزیست به یاد ایام کودکی، جوانی و بخشی از عرصه‌های فعالیت و مبارزه نویسنده در میادین عمل و در جبهه‌های دفاع مقدس که تقدیم حضور بزرگواران می‌نماید.

گویی عقیده بر این استوار داشته، که در همه حال خود را در میدان نبرد زندگی احساس کنیم. نگرانی نداشته باشیم از این که ممکن است به سبب فعالیت و زحمت با نارا حتی ناخوشی مواجه خواهیم شد. نیل به اهداف را مهمتر از دغدغه‌های روزمره ضرر نموده‌ام. البته چه بسا بسیاری ملاحظات اخلاقی و انضباطی و روش زندگی و برخوردها و فحوای کلام انسان ناشی از این گونه مسائل باشد که معمولاً اهداف چندان هم برای آن قائل نمی‌شویم. مسأله‌ای که در پایان تحصیلات دبیرستان در خیال از انقلاب نتوانستم از آن بگذرم خاطره تلخی است که از طرف فرمانده پاسگاه انقلابی محل مشاهده نمودم و بنده را بر آن داشته است که به خدمت نظام وارد شده. ملبس به لباس مقدس انتظامی شوم. تا در حد توان برای اصلاح رفتارهای نادرست اقدام نمایم. در نقش واقعی یک افسر قرار گرفتم که بتوانم شاهد بهترین و بازده‌ترین فعالیت و خدمت در سال‌های عمرم باشم. شاید در بدو امر پرداختن به این مسأله تا حدی غیر منتظره و حتی گستاخانه جلوه نماید که از مدت‌ها قبل از انقلاب اسلامی پنجاه و هفت در کشورمان آموزش و پرورش به نحو مطلوب

برای پرورش آدم‌های مبتکر و خلاق متناسب نبوده است و محیط چنان نبوده است که قادر باشند به طور آزاد و مستقل در ترکیب جوامع نوین شرکت نمایند، و آنگاه که در خدمت کلاسیک نوین نظامی در آمدم دریافتم که رفتارهای واقعی و مطلوب در رعایت معیارهای نظم و انضباط و دادگری صحیح و عقلانی می‌تواند جریان پیدا کند، و تمایل به رعایت مقبول آن‌ها گه به نامطوع باشد با علاقه کامل انجام شود.

دریافتم که از خود سؤال نمایم از دست تک تک اعضای خانواده، دوستان، همکاران و افراد جامعه چه کارهایی ساخته است که متناسب با وضعیت و توان موقعیت آن‌ان برنامه‌ها را تنظیم و از آن‌ان توقع برخورد مناسب داشته، با آن‌ان به تعامل و همکاری پرداخته و کردار خود را هم توجیه نمایم.

شاید کمی سخت گیرانه نظر آید این که در محیط انتظامی همیشه از هریک از مسئولین گزارش ۲۴ ساعته گرفته می‌شد که بدون تردید در بررسی و برآورد خوب و بد امور جاری و اصلاح، ارتقاء کیفیت کارها در سطح جزء و کل مفید و تأثیرات قابل ملاحظه‌ای رپی داشت. در حالی که امروزه همه چیز دست خوش تغییر شده و نمونه‌های مثبت‌تری برخورد آمده است که می‌توان به راحتی و دقت کارها را زیر نظر قرار داد اینکه بیشتر افراد جامعه با ذهن و ماهیچه‌هایشان به فعالیت می‌پردازند که چه بسا زیرک‌تر و بهتر هم می‌شوند و خوشبختانه امید به زندگی را هم افزایش می‌دهند.

مدت سی سال (۱۰۹۸۱ روز) از دوران زندگی خویش را وقف خدمت نمودم که بیش از پنج سال (۱۸۶۲ روز) آن را در دفاع مقدس در لبه جلویی

میدان نبرد سپری نموده‌ام. لیکن گوئی بیش از آنچه که فکر می‌کنم هرچقدر فعالیت نموده‌ام آن را کافی ندانسته و هنوز به رضایت و لذت واقعی نرسیده‌ام. لذا قبل از این که طومار زندگی‌ام به پایان برسد با دلی پرسوز نکاتی از خاطرات صفحات ذهنی خود را بهر یادگار بر صفحه‌ی سفید کاغذ نگاشته مشتمل بر ایام خوش کودکی، روزهای پایمردی، پرشور جوانی در میادین پرخطر بارزه با تبه‌کاران، مجاهدت و کوشش در دوران جنگ تحمیلی که حماسه و فداکاریهای دلاور مردان شجاع هم وطنم که با چشم سر آن‌ها را مشاهده نمودم به درر بسیار مختصر همه را تبدیل به کتاب خاطرات کرده‌ام. به کوره راه‌هایی در جبهه‌ها در دل مواضع پدافندی و تهاجمی علیه دشمن اشاره نموده که هنوز نسانه‌های آتشی و عیان و غیر قابل انکار است. در حالی که ظرافت و تفنن چندانی در آن جای نداشته است. باشد که آن را برای ناجا به عنوان یکی از اسناد که تاکنون دور از دسترس بوده است نگهداری نمایند. این که ژاجا سابق از بدو پیروزی سکون منقلب اسلامی و قبل از آن چگونه متحول شده و در دنیای دیگری قدم نهاد برود؟ چگونه نیروهای دلاور و با انگیزه‌اش در دفاع مقدس سینه خود را سپر قرار می‌دادند و چگونه می‌اندیشیدند؟ و در چه موقعیتهای بسیار سختی جوانمردان به شهادت می‌رسیدند؟ اینک ایثارگران آن در کجا و در چه وضعی قرار دارند؟ قابلیت‌های آنان را زنده نمایند زیرا آینده نامحدود و جز خداوند کسی نمی‌تواند فداکاری‌های آنان را جبران نماید و آینده‌ی سزاواری برای شکسته‌گی‌های زندگی دنیوی آنان به ارمغان داشته باشند، از شهدای گرانقدر

آن که آمار آن‌ها به نسبت بعد از نیروهای بسیج و سپاه پاسداران در سطح بالاتری قرار دارد و نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌نماید نگاهی بیندازند. ذکر جای جای خاطراتم در جبهه‌ها را مایه و ملاط توازی رزمندگان ژاجا سابق با سایر نیروهای عزیز و پرتلاش انقلاب اسلامی کهن سرزمین ایران دانسته، هویت همه شخصیت‌هایی که ذکر گردیده واقعی و از هیچ شخصیتی واه گرفته نشده است. در هر جا زمان را به طور مستند اندازه‌گیری و غیر قابل جایگزین و نتایج عملیات را تفکیک نموده‌ام. که تاریخ از میزان کار آمدی آنان مطلع شود اینکه سرنوشت تکان دهنده آنان چگونه رقم خورده است.

اینک خداوند بزرگ را پاس که آنان همواره دست از یادگیری و یاری و همراهی و دفاع از انقلاب اسلامی بر نمی‌دارند و انتظار دارند همکاران امروزشان نیز حتی‌الامکان پنج ساله جارت‌تر گام بردارند. تقدیم می‌شود به ارواح پاک و پرفتح همه‌ی شهدای گرانقدر و مقاوم و جاویدان عزیز انقلاب اسلامی، شهدای عزیز ناجا و رهروان کشته و صدیق رهبر عالی‌قدر انقلاب حضرت آیت‌الله خمینی (ره) و مقام عظمی (مدظله العالی)، همه مجاهدین و ایثارگران عزیز که دشمنان پرتوطئه‌ی تاندان‌های خارج‌گرا را در سرحدات کشورمان به هزیمت وادار می‌نمودند و می‌نمایند. همه یاران و همراهان عزیزم به خاطر همه چیزشان و به والدین عزیزم که حق حیات برگردنم دارند.

اسفند ۱۳۹۳ سرهنگ بازنشسته ناجا علی ایمانی

پیشگفتار

وقتی سخن از حماسه و پیروزی به میان می‌آید، ذهن ما به دنبال شخصیتی بزرگ، نیرومند، اسطوره‌ای و دست نیافتنی می‌گردد.

شخصیتی که بیشتر در قصه‌ها و افسانه‌ها شنیده‌ایم، تنها چیزی که به ذهن ما می‌رسد این است که همین مردم کوچه و بازار، همین همسایه‌های دور و نزدیک هم می‌توانند یکی از همان شخصیت‌های اسطوره‌ای باشند، می‌توانند از یگانه‌ان حماسه‌های بزرگ باشند.

این کتاب، مستند بر این خاطراتی است که سالها در حافظه بلند مدت یک رزمنده راستین با ثباتی بوده، که اینک توانسته به صورت خاطرات، حماسه‌های بزرگ نام‌آوران و مجاهدت‌هایی که در مناطق مختلف به خصوص غرب کشور به وقوع پیوسته به قلم نگارش درآید. تاریخی ناگفته از شهدای گرانقدری که جنگیدند و رفتند تا ما بتوانیم بدانیم. این مستند تلاش می‌کند گوشه‌هایی از حماسه‌های ناگفته غرب و سرداران غریبش را به تصویر بکشد؛ تصویری برای بیان حماسه‌های خاموش. کتاب خاطرات سرهنگ علی ایمانی با قلمی زیبا و ادبی تصویرگر روزه‌ی خون و حماسه است. کمتر قابل تصور است که شخصیتی نظامی بتواند قلم به این حد زیبا، گویا و لطیف بکار ببرد، در عین حال که ساده و صمیمی به‌شماره شده، تمام نکات و جوانب نوشتاری و ادبی در آن رعایت گردیده است.

گاهی اوقات انسان آنقدر تحت تأثیر یک نوشته قرار می‌گیرد که احساس می‌کند زیر بارش احساسات پاک و بی‌آلایش به می‌شود، هرچقدر هم به ذهن خویش فشار بیاورد که معیاری بیابد یا جمله‌ای به زبان بیان کند که

معنی‌اش شکر و سپاس باشد، فکرش به جایی قد نمی‌دهد و به اصطلاح کم می‌آورد.

به وجود با ارزش سرهنگ ایمانی (دایی عزیزم) افتخار می‌کنم و به خود می‌بالم که در سالهای دفاع مقدس با جان و اینک با قلم توانای خویش پشتیبان نظام و کشور عزیزمان ایران است و به وجودش افتخار می‌کنم و اطمینان دارم که این کتاب بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

پرستو نورالهی کارشناس ارشد

زبان و ادبیات فارسی